

آثارشناسی توصیفی
شمس تبریزی
مجید رنجبر

دانش



نشر کا نامہ



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران



- سرشناسه : رنجبر، مجید، ۱۳۶۵ -
- عنوان و نام پدیدآور : ورق یار، آثارشناسی توصیفی شمس تبریزی / مجید رنجبر.
- مشخصات نشر : تهران: نشر کارنامه، ۱۴۰۲.
- مشخصات ظاهری : ۱۹۲ ص؛ ۱۴ × ۲۱/۵ س.م.
- فروست : کارنامه عرفان و ادب فارسی؛ ۱۰.
- شابک : ISBN 978-964-431-130-7
- وضعیت فهرست‌نویسی : فیبا.
- یادداشت : نمایه.
- عنوان دیگر : آثارشناسی توصیفی شمس تبریزی.
- موضوع : عارفان — ایران.
- Mystics — Iran موضوع
- موضوع : عرفان در ادبیات — تاریخ و نقد.
- Mysticism in literature — History and Criticism موضوع
- موضوع : شمس تبریزی، محمدبن علی، ۴۵۸۲-۶۴۵ ق. — نقد و تفسیر.
- Shams Tabrizi, Mohammad ibn Ali — Criticism and Interpretation موضوع
- رده‌بندی کنگره : BP ۲۷۴
- رده‌بندی دیویی : ۲۹۷/۸۹۲
- شماره کتاب‌شناسی ملی : ۹۱۵۲۶۸۵
- اطلاعات رکورد کتاب‌شناسی : فیبا.



کارنامهٔ عرفان و ادب فارسی



به یاد محمد زهرایی

۱۳۹۲-۱۳۲۸

بنیان‌گذار نشر کارنامه



نقشِ خود خواندی
نقشِ یار بخوان

ورقِ خود خواندی
ورقِ یار بخوان



به قصد و به تقار و به همت سال
ویراسته از آیت الله العظمی آقا محمد تقی باقری

۱۴۰۱ - ۱۴۰۰



آثارشناسی توصیفی
شمس تبریزی

.....

مجید رنجبر



آثاوشناسی توصیفی
شمس تبریزی
مجید رنجبر



آماده‌سازی
واحد ویرایش
نگار گروسی و مینو مدنی
حروف چینی و صفحه‌آرایی
زهره جعفرپور و عادل قشقایی

اجرای طرح روی جلد بر پایه طرح کلی مجموعه
12 استودیو دوازده و دوازده
فریبا رهدار

اونیفرم مجموعه
طراحی عنوان
حلقه تزئینی روی جلد
ناظر چاپ
لیتوگرافی
چاپ
صحافی
حسن کریم‌زاده
سهیل حسینی
علیرضا محمدی
محسن حقیقی
فرایندگویا
ایبانه
علی

چاپ اول، ۱۴۰۲ ۵۵۰ نسخه

همه حقوق چاپ و نشر این اثر انحصاراً برای نشر کارنامه محفوظ است.
هرگونه استفاده از کتاب آرایشی و عناصر آرایشی این کتاب اکیداً ممنوع است، همچنین هر نوع استفاده تجاری از این اثر یا تکثیر آن به هر صورت (چاپ، فتوکپی، کتاب صوتی و الکترونیک و نشر در فضای مجازی)، کلاً و جزاً، ممنوع است و پیگرد قانونی دارد.

مراکز پخش و فروش:

پخش کارنامه، خیابان شهید باهنر (نیاوران)، شماره ۱۳۵، تلفن: ۲۶۱۱۷۹۸۵، ۲۶۱۱۷۹۸۶ و ۹۱۲۶۴۳۹۱۵۱
فروشگاه بزرگ شهر کتاب نیاوران با همکاری نشر کارنامه، خیابان شهید باهنر (نیاوران)، شماره ۱۳۷
تلفن: ۲۲۲۸۵۹۶۹ • فکس: ۲۲۸۰۸۱۹۲

نشر کارنامه: خیابان کریم‌خان زند، تقاطع میرزای شیرازی، شماره ۱۱۱، واحد یک، تهران: ۱۵۹۷۹۸۵۷۳۱، تلفن: ۸۸۹۰۴۰۸۳



فهرست

مقدمه ۱۵

گاه‌شمار زندگی شمس تبریزی ۲۱

فصل اول : آثار چاپی ۲۳

تصحیح، گزیده و شرح مقالات شمس تبریزی ۲۵

پژوهش ۴۵

داستان و رمان ۹۱

ترجمهٔ مقالات شمس تبریزی ۱۰۱

فصل دوم : آثار شنیداری ۱۰۳

درس‌گفتار و سخنرانی ۱۰۵

آلبوم موسیقی و کتاب صوتی ۱۱۵

فصل سوم : آثار دیداری ۱۱۹

تئاتر ۱۲۱

نقاشی ۱۲۳

پیوست‌ها	۱۲۵
پیوست یک: برخی کتاب‌های دیگر	۱۲۷
پیوست دو: پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها	۱۳۳
پیوست سه: مقاله‌ها	۱۴۱
نشریه‌ها	۱۴۳
همایش‌ها، کنگره‌ها و ...	۱۶۱
نمایه	۱۶۷

به شادی و شکرانه یکصدمین سال تولدِ
استاد محمدعلی موحد با همه بی‌نیازی‌اش.

— م. ر.

(٥٥)

مقدمه

خود غریبی در جهان چون شمس نیست
شمس جانِ باقی‌ای کیشِ اَمَس نیست
— مثنوی معنوی، دفتر اول: ۱۲۰

کمی بیش از هفتصد و هفتاد و هفت سال شمسی، برابر با هشتصد سال قمری، از آن دیدارِ شگرف و شگفت در بامداد روز بیست و ششم جمادی‌الآخر سال ۶۴۲ قمری در میانهٔ بازار شهر قونیه می‌گذرد که مرغِ جانِ جلال‌الدین محمد بلخی رومی به صید عقاب اندیشهٔ شمس‌الدین محمد تبریزی درآمد. مولانا خود در غزلی داستان این دیدار را توصیف کرده است:

بر چرخ، سحرگاه، یکی ماه عیان شد
از چرخ فرود آمد و در ما نگران شد
چون باز که بزیاید مرغی به گه صید
بزیود مرا آن مه و بر چرخ دوان شد
در خود چو نظر کردم، خود را پندیدم
زیرا که در آن مه تنم از لطف چو جان شد
در جان چو سفر کردم، جز ماه ندیدم
تا سِرِّ تَجَلّی ازل جمله بیان شد
نُه چرخ فلک، جمله، در آن ماه فرو شد
کشتی وجودم، همه، در بحر نهان شد
آن بحر بزد موج و خرد باز برآمد
و آوازه درافکند: چنین گشت و چنان شد...^۱

۱ کلیات شمس تبریزی، مولانا جلال‌الدین محمد رومی، براساس چاپ شادروان بدیع‌الزمان

شمس تبریزی «سرّ مبهم و سرفصل تاریخ زندگانی مولانا»^۱ است، مولانایی که عارف‌ترین شاعر و شاعرترین عارف در آسمان ادب فارسی است. زندگی مولانا پس از دیدار و آشنایی با شمس، که همچون مهبانگی در ادب فارسی است، به دو دوره کاملاً متفاوت تقسیم شد. به همین خاطر است که افکار و اندیشه مولانا را بیش از همه در سایه اندیشه شمس در مقالات می‌توان بازشناخت:

بی دولتِ مخدومیِ شمس الحق تبریز
نی ماه توان دیدن و نی بحر توان شد^۲

مقالات مستندترین و معتبرترین منبع شناخت حقایق زندگی و اندیشه شمس و ارتباط او با مولاناست که اگرچه نوشته خود شمس نیست، قطعاً تقریرات اوست که توسط مولانا و برخی اطرافیان، احتمالاً با دخل و تصرفاتی جزئی و گونه‌گون، تحریر شده است. همچنین مقالات کلید فهم آثار شریف مولاناست و «گوهری است که با همه شکستگی به صد هزار درست می‌ارزد»^۳:

آنچه از دریا به دریا می‌رود
از همان جا کآمد آن‌جا می‌رود^۴

پس از آن، اصلی‌ترین منبع شناخت ما از شمس تبریزی از آن مولاناست که عبارت است از کلیات شمس تبریزی (دیوان کبیر)، مثنوی معنوی و فیه مافیه. سپس ابتدائاً سلطان ولد (تألیف ۶۹۰ ق)، رساله در مناقب خداوندگار از فریدون احمد سپهسالار (تألیف احتمالاً میان ۶۹۰-۷۱۲ ق) و مناقب العارفین شمس‌الدین احمد افلاکی (تألیف میان ۷۱۸-۷۵۴ ق) کهن‌ترین منابع در شناخت زندگی و اندیشه

→ فروزانفر، تصحیح و اعراب‌گذاری همراه با شرح حال مولوی از کاظم برگ‌نسی، تهران: انتشارات فکر روز، ۱۳۸۱، غزل ۶۴۹.

۱ رساله در تحقیق احوال و زندگانی مولانا جلال‌الدین محمد مشهور به مولوی، بدیع الزمان فروزانفر، ج ۳، تهران: کتاب‌فروشی زوار، ۱۳۵۴، ص ۴۹.

۲ کلیات شمس تبریزی، مقطع غزل ۶۴۹.

۳ مقالات شمس تبریزی، تصحیح و تعلیق محمدعلی موحد، ج ۳، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۸۵، «مقدمه مصحح بر دفتر دوم»، ص ۶۰۲.

۴ مثنوی معنوی، مولانا جلال‌الدین محمد بلخی، به تصحیح و مقدمه محمدعلی موحد، ج ۲، ج ۴، تهران: انتشارات هرمس با همکاری فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۹۸، دفتر اول: ۷۷۴.

شمس هستند که به زمان حیات او نزدیک اند. در کنار این آثار، نفحات الانس عبدالرحمان جامی (تألیف ۸۸۱-۸۸۳ ق)، تذکره الشعراء دولتشاه سمرقندی (تألیف ۸۹۲ ق)، هفت اقلیم احمد امین رازی (تألیف ۹۹۶-۱۰۰۲ ق) و ریاض العارفین رضاقلی خان هدایت (تألیف ۱۲۶۰ ق) منابع کلاسیکی اند که درباره شمس اطلاعاتی در اختیار خوانندگان می گذارند.



این وجیزه دفتری تازه گشوده در گرمی داشت جایگاه و مقام آفتاب تابان شمس پژوهی معاصر است. امسال همزمان شده است با یکصدمین سال خجسته و فرخنده تولد استاد محمدعلی موحد که چشم تیزبین، چراغ روشن، و ذهن وقاد تحقیق و تتبع درباره شمس و مقالات است:

دیر زیاد آن بزرگوار خداوند

جان گرمی به جانش اندر پیوند^۱

نکته های ریز و تیز ایشان در تصحیح مقالات و تحقیق درباره زندگی و اندیشه شمس، که به صورت کتاب و مقاله و سخنرانی ارائه شده، بسیار بدیع و تأمل برانگیز است و غالب آثاری که طی چند دهه گذشته پیرامون این موضوع انتشار یافته و امداد تلاش های ماندگار ایشان است، و از خوش اقبالی و بخت یاری ماست که فرصت بهره بردن از پژوهش های ایشان نصیب مان شده است.

در این جا لازم است یادی هم کنیم از محققان گرانمایه هلموت ریترو عبدالباقی گلپینارلی که نسخه های خطی مقالات را از گوشه های تاریک کتابخانه های ترکیه بیرون کشیدند و معرفی کردند. و نیز از فرزانه بی بدیل استاد بدیع الزمان فروزانفر که نخستین محقق ایرانی بود که به ارتباط عجیب مطالب مقالات با مثنوی توجه داد. دفتر حاضر «آثارشناسی توصیفی شمس تبریزی» است و در آن ۷۷ اثر چاپی، شنیداری و دیداری با موضوع زندگی و اندیشه شمس تبریزی و مقالات معرفی شده و فهرست ۴۲ کتاب، ۴۸ پایان نامه و رساله دانشگاهی، و ۲۹۰ مقاله درباره شمس و مقالات، که تا پایان سال ۱۴۰۱ چاپ گردیده، ارائه شده است.

ذکر چند نکته درباره این دفتر لازم است:

— تقسیم بندی آثار، زیر چند عنوان معین خالی از اشکال نیست، اما چاره ای

۱ دیوان رودکی، توضیح و نقد و تحلیل اشعار از کامل احمدنژاد، تهران: کتاب آمه، ۱۳۹۱، ص ۵۲.

هم از این کار نبود. چه بسا دیگران تقسیم‌بندی‌های دیگری در نظر داشته باشند. — این آثار در یک سطح و اعتبار نیستند و لازم است بسیاری از آن‌ها نقد و بررسی شوند. به‌ویژه دربارهٔ مقاله‌ها که پس از رواج انواع نشریه‌های رنگارنگ به اصطلاح علمی- پژوهشی رشد چشمگیری داشته‌اند، به نقد و بررسی‌های جدی نیاز است.

— ترتیب آثار در فصل‌های اول تا سوم براساس سال انتشار و در پیوست‌ها براساس الفبای نام خانوادگی صاحب‌اثر است.

— شمارهٔ صفحه‌ای که در میان متن و با حروف ریزتر داخل پرانتز آمده به همان کتابی اشاره دارد که وصف شده است. نقل‌قول از دیگر منابع در پانویست ارجاع داده شده است.

— در این دفتر هر جا در پانویست‌ها به مقالات شمس تبریزی، کلیات شمس تبریزی و مثنوی معنوی ارجاع داده شده، منظور همان چاپی از این آثار است که مشخصات‌شان در پانویست صفحات ۱۷ و ۱۸ ذکر شده است.

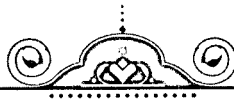
مقالات گنجینهٔ گران‌بهایی است که زوایا و ابعاد آن، چنان که باید، هنوز شکافته و شناخته نشده است، همچون زندگی خود شمس که همچنان بسیاری گوشه‌ها و نقطه‌های آن پوشیده و مبهم است. امیدواریم محتوای این دفتر هم برای اهل تحقیق که به پژوهش در زمینهٔ زندگی و اندیشهٔ شمس می‌پردازند سودمند افتد و هم برای عموم خوانندگان و علاقه‌مندان او قابل استفاده باشد. انتشار این دفتر مقدمه‌ای بر تدوین «فرهنگ تحلیلی شمس‌پژوهی» است. در انجام این مهم باید چشم امید به پژوهشگران باریک‌بین و نازک‌اندیش داشت، و دست یاری به سوی کتابداران کاردان و نکته‌سنج دراز کرد.

...♦...

از نشر کارنامه بسیار سپاس‌گزارم که از انتشار این دفتر استقبال و حمایت کرد. از همکاران خویم در نشر کارنامه، که نام‌شان در شناسنامهٔ کتاب آمده، سپاس‌ها دارم که در به سامان رساندن این دفتر در مدت زمانی بسیار محدود سخت کوشیدند. و سپاسی ناپسندیده از همسر که بدون صبوری و همراهی همیشگی او فرصت به سرانجام رساندن این دفتر فراهم نمی‌شد.

گاه‌شمار زندگی شمس تبریزی

احتمالاً ۵۸۲ قمری	تولد در شهر تبریز
حدود ۵۹۷	نخستین تجربه سماع
حدود ۶۰۰	شاگردی در محضر ابوبکر سلّه باف
حدود ۶۰۲	خروج از تبریز و شروع سفرهای چهل ساله برای تحصیل و تدریس
حدود ۶۰۶	شاگردی در محضر رکن‌الدین سجاسی
حدود ۶۲۶	اولین آشنایی با مولانا در دمشق
پیش از ۶۳۵	آشنایی با اوحدالدین کرمانی
پیش از ۶۳۸	آشنایی با ابن عربی
۲۶ جمادی‌الآخر ۶۴۲	ورود به شهر قونیه و دیدار با مولانا
۲۱ شوال ۶۴۳	خروج اول از قونیه به حالت قهر و اعتراض، و سفر به دمشق
۶۴۴	بازگشت به قونیه و ازدواج با کیمیا
احتمالاً اواخر ۶۴۵	خروج دوم و همیشگی از قونیه، سفر به سمت آذربایجان و وفات در شهر خوی.



فصل اول

آثار چاپی

تصحیح، گزیده و شرح مقالات شمس تبریزی

۱ مقالات شمس تبریزی، گفتار عارف بزرگ مولانا شمس‌الدین محمد بن علی بن ملک‌داد تبریزی، به تصحیح و تحشیه و مقدمه احمد خوشنویس (عماد)، تهران: مؤسسه مطبوعاتی عطائی، ۱۳۴۹، قطع وزیری، ۴۰۰ صفحه.^۱

نخستین تصحیح از مقالات شمس تبریزی است و شامل مقدمه مصحح، متن مقالات، استدراک، و فهرست آیات و احادیث و اشعار عربی است. موضوعاتی که مصحح در مقدمه خود به آنها پرداخته عبارت‌اند از «درباب تعریف و ماهیت عرفان و تصوف»، «معرفی شمس تبریزی»، «اثر ملاقات شمس با مولانا جلال‌الدین»، «غیبت شمس»، «نظر صاحب جواهرالاسرار درباره شمس»، «سلسله طریقت شمس تبریزی»، و «سخنی درباره مقالات شمس». مصحح مشخصات نسخه اساس یا نسخه‌هایی را که در اختیار داشته ذکر نکرده و در این باره فقط نوشته است: «دو سال پیش در مجمعی که

۱ این تصحیح مجدداً با ویرایش میترا مهرآبادی و به همت انتشارات دنیای کتاب در سال ۱۳۸۴ منتشر شده است.

سالکان طریقت حاضر بودند، جناب آقای دکتر گنجویان، استاد دانشمند دانشگاه تبریز، که مولدش خطّه تبریز و وجود شریفش روشنی بخش محفل صاحب دلان است، به این بنده ناچیز، که از بضاعت علمی و عملی تهی دست می باشد، اشاره فرمودند که نسبت به چاپ مقالات شمس اقدام نمایم. اتفاقاً از توجهات معنوی اولیای حق همان روزها یک نسخه خطی زیبایی به دست آمد و نوید موفقیت به بنده داد و همان نسخه ملاک ورود به این امر خطیر گردیده و با تطبیق آن با نسخه های متعدد عکسی موجود دانشگاه تهران، توسط شرکت مطبوعاتی عطائی، شروع به چاپ آن گردید. اینک پس از یک سال کوشش [...] این آرزو جامه عمل پوشیده و چاپ کتاب انجام گردیده است» (ص ۱۶). علاوه بر این، دو صفحه از نسخه ای خطی را به عنوان نمونه آورده و نوشته است: «عکس دو صفحه از نسخه اصلی مقالات شمس که در زمان حیات شمس تبریزی نوشته شده و اینک در کتابخانه مولانا در قونیه موجود و محفوظ است» (صص ۱۸-۱۹).

گویا این تصحیح ویراست دومی هم دارد که البته با همان شناسنامه چاپ اول منتشر شده است. در آن ویراست عبارات عربی و اشعار حرکت گذاری شده است و به انتهای کتاب بخش های تعلیقات، فهرست اعلام و فهرست منابع مصحح، جمعاً ۴۰ صفحه، افزوده شده است.

۲ — مقالات شمس تبریزی، شمس الدین محمد تبریزی، تصحیح و تعلیق محمدعلی موحد، ۲ جلد در یک مجلد، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۹، قطع وزیری، ۱۰۲۳ صفحه.

تنها تصحیح معتبر و منقح از مقالات شمس تبریزی است که دفتر

اول آن در سال ۱۳۵۶ به همت انتشارات دانشگاه صنعتی آریامهر (دانشگاه صنعتی شریف فعلی) منتشر شد و سپس دفتر دوم به همراه دفتر اول در یک مجلد با ویرایش علیرضا حیدری توسط انتشارات خوارزمی انتشار یافت. انتشار این تصحیح سرآغاز فصلی نو در پژوهش‌های مربوط به زندگی و اندیشه شمس تبریزی است، به طوری که تا پیش از آن برخی پژوهشگران حوزه عرفان و تصوف، چنان که آنه‌ماری شیمل گفته است،^۱ شک داشتند که شمس تبریزی یک شخص حقیقی باشد و وجود تاریخی او را منکر بودند. انتشار این تصحیح نقادانه تصویر درخشانی از شخصیت پرهیت شمس در اختیار پژوهشگران گذاشت و جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۶۹ را برای مصحح به ارمغان آورد.

در پیش‌گفتار عالمانه مصحح ابتدا با «گزارش‌هایی از زندگی شمس»، «راز آشفتگی‌های مقالات» و نام‌های دیگر آن، «اسرار» و «خرقه»، آشنا می‌شویم. سپس نسخه‌های اساس (شش نسخه)، کمکی (سه نسخه) و جدید (هفت نسخه) این تصحیح معرفی و ارزیابی می‌شود. مصحح در توضیح روش تصحیح و تنقیحش نوشته است: «اساس کار ما شش نسخه کهن مقالات است [...] در تهیه این متن، نخست بخشی را که روایت نیمه‌منقح خوانده‌ایم آوردیم و آن‌گاه دنباله مطلب را از روایات نامنقح مبسوط ادامه دادیم. در نقل روایت نیمه‌منقح نسخه ولی‌الدین را که از خط سلطان‌ولد دانسته‌ایم اصل قرار دادیم و هر جای که از ضبط آن عدول کردیم زیر صفحه متذکر شدیم. اضافات روایات مبسوط را در این قسمت تا جایی که عبارت ولو به طور ناقص افاده معنی می‌کرد یا به هر حال

۱ باغ‌سبز: گفتارهایی درباره شمس و مولانا. محمدعلی موحد، ج ۲، تهران: نشر کارنامه،

نکته‌ای و دقیقه‌ای یا اشارتی تاریخی را مشتمل بود استخراج کردیم و پاره‌ای را که مناسبت و ارتباط آن روشن تر می‌نمود به مطالب متن ملحق ساختیم و این الحاقات را در هر مورد با علامت قلاب مشخص گردانیدیم و بقیه را زیر عنوان «اضافات»^۱ پس از پایان متن آوردیم. پاره‌ای از مطالب که در روایت نیمه‌منقح به فارسی است در روایات مبسوط به عربی آمده است. در این قسمت مقابله روایت‌های عربی و فارسی برای تصحیح متقابل آن‌ها بسیار سودمند افتاد. عبارت‌های ناقص و ناقص از متن نیمه‌منقح که پاره‌های گسیخته آن را نتوانستیم پیدا کنیم و به آن صورت، معنایی را افاده نمی‌کرد از متن به حاشیه بردیم و جابه‌جا — تا شرط امانت را رعایت کرده باشیم — در زیر صفحه‌ها به تصرفات محدود خود اشاره کردیم. کار تنقیح متن را به‌ناچار پس از پایان روایت نامنقح، خود بر عهده گرفتیم. [...] هر نسخه از مقالات در بسیاری از موارد مشتمل بر چند روایت از یک مطلب است و این روایت‌ها به لحاظ کوتاهی و بلندی و آشفتگی و انسجام — و باز طبعاً به لحاظ مطالب دیگری که در پس و پیش آن آمده — اختلاف فاحش با یکدیگر دارند. در این مقام روایت‌های مختلفی را که در هر نسخه جداگانه آمده با یکدیگر مقایسه کردیم و سپس به مقایسه روایت‌های هر نسخه با روایت‌های نسخه‌های دیگر پرداختیم. اوراق آشفته و نامرتب نسخه‌ها را با کوشش زیاد به سامان آوردیم و ترتیب اصلی آن‌ها را بازیافتیم، لیکن آشفتگی مطالب و نابه‌سامانی عبارات داستانی دیگر بود؛ گاهی پاره‌هایی از یک قصه یا یک مطلب را که چون عقدی از هم گسیخته پراکنده بود جمع کردیم و به یک جای گرد آوردیم. اما این را تنها

۱ این بخش در هر دو دفتر با عنوان «اضافه‌ها [و] گسسته‌پاره‌ها» بعد از متن اصلی مقالات آمده است.

در مواردی روا داشتیم که تعلق آن پاره‌ها به همدیگر مسلم بود و تک‌تک آن‌ها بدون آن‌که به یک رشته کشیده شوند، از ادای مقصود قاصر می‌نمودند. شاید اگر در این کار جرئت بیشتری به خرج می‌دادیم متنی منقح‌تر و بانسجام‌تر فراهم می‌آمد. در این جا نیز — همچنان که در مورد روایت نیمه‌منقح عمل کرده بودیم — از دور ریختن مطالب ناقص و ناتمام و عباراتی که با همه آشفستگی و سردرگمی متضمن نکات و دقایق و اشارات تاریخی بود خودداری ورزیدیم و آن‌ها را به دنبال متن و در جزء مشتمل بر «اضافات» جای دادیم. رسم خط کهن نسخه‌ها را، جز در موارد استثنایی، به روال و شیوه معمول امروز برگردانیدیم. اختلاف نسخه‌ها را نیز تا حدی که ممکن و مفید بود در زیر هر صفحه نشان دادیم. در عبارت‌های تازی تصرف از لحاظ قواعد دستوری جایز ندانستیم و آن‌ها را به قول مولانا به همان صورت «شکسته‌بسته» نقل کردیم» (صص ۶۳-۶۴).

در بخش «تعلیقات و توضیحات»، در هر دو دفتر، مصحح هم انعکاس مقالات در آثار مولانا را نشان داده و هم دشواری‌های متن و الفاظ شاذ و کهن و تعبیرات غریب و نادر را توضیح داده است. «فهرست تحلیلی» ابتدای کتاب و فهرست‌های «آیات قرآنی»، «احادیث و روایات»، «نام‌ها» و «برخی از لغات و اصطلاحات غریب» که در پایان کتاب آمده است، برای علاقه‌مندان تحقیق و پژوهش درباره شمس و مولانا بسیار مفید و مغتنم است.

۳ طلوع دوباره شمس: کشف رموز از مقالات شمس تبریزی، علی‌اشرف والی، ۷ جلد، تهران: انتشارات ضیغمی، ۱۳۹۳-۱۳۹۸، قطع وزیری، ۲۷۷۴ صفحه.

نویسنده مدعای رمزگشایی از گفتارها و مقالات شمس و بازیابی

حلقه‌های مفقوده آن را دارد و به زعم خود، در این عرصه به دریافت قلبی انوار حقانی نائل آمده است! روش او چنین است که ابتدا تکه‌ای از متن مقالات را، براساس تصحیح احمد خوشنویس، نقل کرده و سپس همان تکه را بنابر نظر خود رمزگشایی، تکمیل، احیا و قابل استفاده نموده است. به عنوان مثال، بند اول و مشهور مقالات که چنین است: «اگر از جسم بگذری و به جان رسی، به حادثی رسیده باشی. حق قدیم است. از کجا یابد حادث قدیم را؟ ما لِلْأَرَابِ وَرَبُّ الْأَرَابِ؟ نزد تو آنچه بدان بجهی و برهی جان است. و آنکه اگر جان بر کف نهی چه کرده باشی؟»،^۱ در متن مکشوفه نویسنده این طور است: «ای انسان! اگر توانی از حجاب و تخته‌بند این جسم بگذری و به جان و عالم شناخت آن رسی، تازه به حادثی دیگر رسیده باشی! مگر خود، این ندانی که حق قدیم است و تو حادث؟ پس مرا بگوی از کجای تواند دریابد این توی حادث آن اوی قدیم را؟ هُوَ هُوَ، هُوَ هُوَ! ما لِلْأَرَابِ وَرَبُّ الْأَرَابِ. گاه‌گاه، به نزد گمان تو این مطلب چنان به وجه تمام می‌آید که آنچه توانی بدان بجهی و به وسیله آن برهی تنها به همین نثار جان است و بس! و حال آن‌که اگر این جان را هم بر کف نهی تازه خود چه کرده باشی» (ص ۳۸).

روشن است که چنین برداشت‌هایی عموماً برآمده از سلیقه مؤلف است و نمی‌توان آن‌ها را چنان که باید موثق دانست و پذیرفت.



❖ ۴ خُمی از شراب ربّانی: گزیده مقالات شمس، انتخاب و توضیح محمدعلی موحد، تهران: انتشارات سخن، ۱۳۷۳، قطع رقعی، ۴۰۲ صفحه؛ ❖